

درس اول پایه دوازدهم

واژه نامه

عَقَل: خرد ورزی کرد عَلَى آویت الْفَأْس: تبر «جمع: الْفُؤُوس الْقُرَابِين: قربانیها «مفرد: الْقُرْبَان القرآن: خواندن قَبِلَ: گفته شد الْكَتِف، الْكَتْف: شانه «جمع: الأكتاف كَسَرَ شَسِس لاوتونَ نَهر نَب « ت :	حَرَقَ سوزاند الْحَطُّ: بخت (جمع: الحظوظ حَلَى: تحمیر رر حَمَى: حمایت کرد يَحْمِي / امر: اِحْمِ احمِنِي: از من حمایت کن الْحَنِيف: یکتاپرست الدَّاء: بیماری = المرض الْأَسْدُ: بیهود وو السَّلام: صلح، آس سوی: به جز للسَّيِّرة: روش و کردار، سرگذشت الْشَّعَا رمراس الْصَّرَاع ششمش الذَّرا ≠ الْسَّل الطَّيْن: گل العَصَب: پی العظم: استخوان (جمع: العظام	أَحْضَرَ: آورد، حاضر کرد الأصنام بتها «مفرد أَلْهَنَد أَعَانَ: یاری کرد (مضارع: يُعِينُ / امر: أَعِن أَعِنِّي: مرا یاری کن أَقِمَّ وَجْهَكَ: روی بیاور (ماضی: أَقَامَ / مضارع: يُقِيمُ أُتِر: روشن کن (أَنَارَ يُنِيرُ الإِشْلَاح: شادمان الأنشودة: سرو (مجمع: الأناش بَدَّوُوا يَتَهَامَسُونَ: شروع به پیج کردند (ماضی: تَهَامَسَ / مضارع: يَتَهَامَسُ البَسَمَات: لبخندها (مفرد: البَسْمَة الْبَعَث: رستاخیز الْبُنْيَان المَرصُوص: ساختمان استوار الَّتِنَةُ: دوی در (ماضی: تَجَّ نَ مضارع: يَتَجَّن
---	---	--

الحروف المشبهة بالفعل

حروف مشبّهة بالفعل حروفی هستند که بر سر جمله اسمیه وارد می شوند و در معنا تغییراتی ایجاد می کنند.

الفخر بالأدب ← الفاء بالأدب

افتخار به ادب است ← انانا افتخار به ادب است.

به جدول زیر دقت کنید:

حروف مشبّهة بالفعل	مثال	ترجمه
إِنَّ : قطعاً، همانا، به درستی که، بی گمان	إِنَّ بَعْضَ الظُّمِّ إِهْلٌ	همانا بعضی گمانها گناه است.
أَنَّ : که	لَا تَحْسَدُ إِلَّا مَا يَكُونُ مِمَّا اسْمِي إِهْلًا	مپندار که موفقیت از آسمان آماده فرود می آید.
كَأَنَّ : گویی، مانند	كَأَنَّ إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةٌ لَا دَر	گویا خشنود داشتن همه مردم هدفی است که به دست نمی آید
لَكِنَّ : ولی، اما	لَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلُمُونَ	اما مردم خود بر خویشان ستم می کنند
لَيْتَ : کاش یا لَيْتَ: ای کاش	لَيْتَ النَّاسَ يَتَّجِدُونَ	کاش مردم متحد شوند.
لَعَلَّ : شاید، امید است	لَعَلَّ الْمُذْنِبَ يَتُوبُ إِلَى رَبِّ	شاید گنهگار به سوی پروردگارش توبه کند.

چند نکته

۱- میتوان «إِنَّ» را در جمله ترجمه نکرد.



مثال:

لَ النَّمْلُ حَشْرَةٌ صَغِيرَةٌ

مورچه حشره کوچکی است.

۲- فعل مضارع بعد از لَيْت و لَعَلَّ را مضارع التزامی ترجمه می کنیم.



لَيْتَ الأَنْبِيَاءُ نَزِقُوا المَاءَ عِطاً أَلْقَرَاءَ : **كا** ثروتمندا ب فقيرا ما **انفا** **کنند**
لَعَلَّ شبابتنا **يَنْجَحُونَ** في المسابقتك العلمیة: **امید است** که جوانانمان در مسابقات علمی **موفق بشوند**.
۳- فعل ماضی بعد از لَيْت را با توجه به سیاق جمله ماضی استمراری یا ماضی بعید ترجمه می کنیم.



لَيْتَ الطَّالِبَ أَدْرَكَ قِيَمَةَ الوَقتِ: **كاش** دانش آموز قدر وقت را **می دانست**. (یا دانسته بود)
بیشتر بدانیم:
 زمانی که به **إِنَّ، «ما»** متصل شود در اینصورت معنای حصر پیدا کرده و (فقط ، تنها) ترجمه میشود.



وَمَنْ يَشْكُرْ فَيَلْمِشْكَوْهُ فَيَسِهْ
 هر کس شکرگزاری کند، **تنها** به سود خویش شکر می کند.
إِنَّ مَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ
 افتخار **فقط** به اندیشه ای ثابت است.

لا النافية للجنس

قبل از معرفی لا نف نانس، مرور ب انوا داشته باشی

انواع لا

ترتوم	مثلا	کاربرد	نوع لا
	هل يُجِبُّ الذم لئلا نزله الكاذب؟ ل	بعد از جملا سؤال ب هـ یا أ	۱- لای جواب
	آیا مردم، شخص دروغگو را دوست دارند؟ نه		

ن ا ا ی ز ودا نمی داند.	لَا يَلْمُهُمْ اَلْحَدِثُ اَللّٰهُ	قبل از فعل مضارع آمده آن را منفی میکند و تأثیری در ظاهر فعل ایجاد نمی کند.	۲- لای نفی مضارع
سربلندی را در مال طلب نکنید.	لَا تَلْمُوا اَلْمَرْزُوقَةَ اَلْم	قبل از فعل مضارع آمده، در انتهای آن تغییر ایجاد می کند.	۳- لای نفی
هیچ کاری همچون تحقیق نیست.	لَا عَمَّ اَلتَّحْقِي	قبل از اسم نکره (فترحه دار و بدون تنوین) آمده و به معنای «هیچ» است.	۴- لای نفی جنس

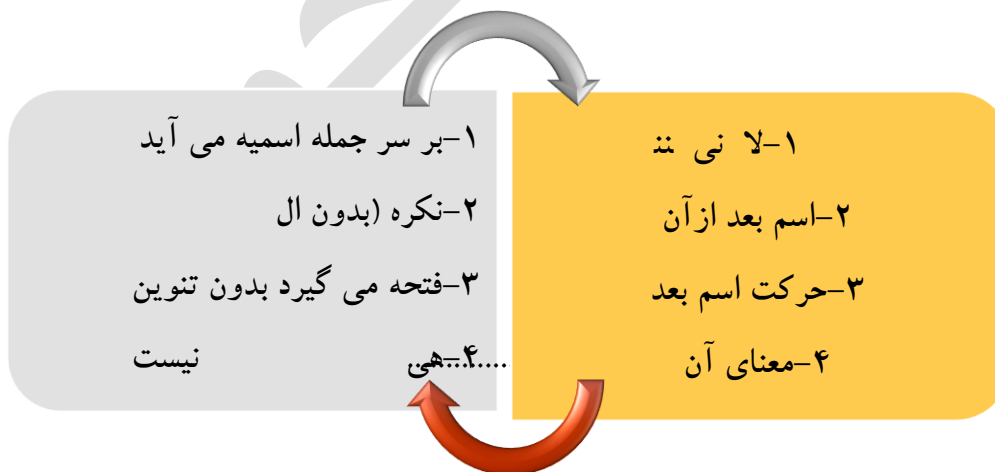


اگر بعد از لا نه فعل او شخص یا سو شخص مفر یا مم بیاید (بالیه یا متکله) (د ترمم آن، «نباید» می آوریم و به صورت مضارع التزامی ترجمه می کنیم.

لَا يَأْتِيَنَّ اَلْمَرْمُونَ اَلْكَارِيَةَ اَوْلِيَاءِ

نباید مؤمنان، کافران را به دوستی بگیرند.

ویژگیهای لای نفی جنس



لَا فَوْقَ كَأَنَّ هِيَ مِيرَاثُ كَأَنَّ

هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی همچون ادب نیست.

۱

"يجب أن نسمح لأصدقائنا أن يطرحوا علينا مشاكل حياتهم لعلنا نستطيع أن نزيلها!":

- ۱) واجب است از دوستانمان بخواهیم که مشکلات زندگی را برای ما بیان کنند شاید بتوانیم آن‌ها را حل نماییم!
- ۲) ما به دوستان خود اجازه می‌دهیم که با مطرح کردن مشکلات زندگی خود با ما، بتوانیم آن‌ها را از بین ببریم!
- ۳) باید به دوستان خود اجازه دهیم مشکلات زندگی خود را با ما مطرح کنند شاید بتوانیم آن‌ها را برطرف کنیم!
- ۴) بر ما واجب است اجازه مطرح کردن مشکلات را به دوستان خود بدهیم امید است که بتوانیم آن‌ها را زایل کنیم!

۲

"لیتنا ندرک جمال الطبيعة التي تتزين في الربيع باللباس الأخضر حتى نسبح خالقها!":

- ۱) امید است که ما درک کنیم زیبایی طبیعت را که در بهار با لباس سبز آراسته می‌شود تا آفریدگارش تسبیح شود!
- ۲) کاش ما طبیعت زیبایی را که در بهار با لباس سبز آراسته می‌شود درک می‌کردیم و آفریدگارش را تسبیح می‌کردیم!
- ۳) ای کاش زیبایی طبیعتی را که در بهار با لباس سبز آراسته می‌شود درک کنیم تا آفریننده‌اش را تسبیح بگوییم!
- ۴) آرزوی ما درک کردن زیبایی طبیعتی است که در بهار با لباس سبز آراسته می‌شود تا بتوانیم خالقش را تسبیح کنیم!

۳

"لا غنى كالعلم و لا شيء أضّر من الجهل!":

- ۱) هیچ ثروتمندی همچون دانشمند نیست و هیچ چیزی از نادانی مضرت‌تر نیست!
- ۲) ثروتی همچون دانش وجود ندارد و هیچ چیزی همچون نادانی آسیب نمی‌رساند!
- ۳) هیچ ثروتی همچون علم نیست و هیچ چیزی از نادانی مضرت‌تر نیست!
- ۴) هیچ بی‌نیازی همچون علم نیست و هیچ چیزی همچون جهل ضرر نمی‌رساند!

۴

عَيْنَ عبارة لَيْسَ مِنَ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ.

- ۱) كان يمشى في مسالك عجيبة ف وقعت عينه على شجرة أجمل من كل شيء!
- ۲) على الإنسان أن يكون سائراً نحو الرشد و الكمال فَإِنَّهُ بِحَاجَةٍ إِلَى هَذِينَ الْأَمْرَيْنِ دَائِماً!
- ۳) إن تكن سريرتك و علائتيك لنا واحدة فأنت صديقة لنا!
- ۴) الطّبي كَانَتْهُ حَيَوَانُ شَاعِرٍ يَعْرِفُ الطَّبِيعَةَ وَ جَمَالَهَا وَ يَعِشُهَا!

۵

عَيْنَ "لا" النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ:

- ۱) الَّذِي لَا يَعْمَلُ بَجَدِّ لَنْ يَرَى النَّجَاحَ فِي حَيَاتِهِ!
- ۲) تَسَلَّمْتُ عَلَى صَدِيقِي لَا عَلَى جَمِيعِ الْحَاضِرِينَ!
- ۳) يَجِبُ أَنْ نَعْتَرِفَ بِأَنَّهُ لَا نَفْعَ فِي مُجَالَسَةِ الْجَهَّالِ!
- ۴) إِنَّ أَخَاهُ لِابْدِرُسَ فِي النَّبِيتِ، بَلْ فِي الْمَدْرَسَةِ!

١) لَعَلَّنَا نُثَبِتْ قُدْرَاتِنَا لِلْجَمِيعِ مَعَ تَنَاوُسِ سَلِيمٍ! اَمِيدِ اسْتِ مَا بَا رِقَابَتِي سَالِمِ تَوَانَمِنْدِي هَايْمَانِ رَا بَرِ هَمْگَانِ ثَابِتِ كَنِيم!

٢) لَيْتِنَا نَعْرِفَ قِيَمَةَ الْجَوِّ الصَّافِي وَ نُسَاعِدَ عَلَي تَنْقِيَتِهِ أَكْثَرَ مِنْ هَذَا! اِي كَاشِ مَا ارْزِشِ هَوَايِ پَاكِ رَا مِي شَنَاخْتِيمِ وَ بِيَشْتَرِ از اَيْنِ دَرِ حَفْظِ اَنِ مِي كُوشِيدِيم!

٣) لَاتَقَدَّمْ لِمَنْ لَيْسَ سَاعِيًّا فِي عَمَلِهِ وَ يُحَاكِي الْآخِرِينَ دَائِمًا! اَن كِه دَرِ كَارِ خُوِيَشِ كُوشَا نِيَسْتِ وَ هَمِيَشِه از دِيگَرَانِ تَقْلِيدِ مِي نَمَايِدِ، بِيَشْرَفْتِ نَمِي كِنْدَا!

٤) كَاَنَّ الشَّمْسِ كَرَةً مُلْتَهَبَةً تَحْتَ قُبَّةٍ مَرْفُوعَةٍ فَوْقَ رُؤُوسِنَا! اِنگَارِ خُورَشِيدِ گُويِ فَرْوَزَانِ دَرِ زِيرِ گَنْبِ دَرِ اِفْرَاشْتَهٗ بِالَايِ سَرِ مَاسْتِ!

عَبِّنِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ.

١) كَانَ
٢) صَارَ
٣) كَانَتْ
٤) لَيْسَ

٨) مَا هُوَ الْمُنَاسِبُ لِلْفَرَاعَاتِ: "سُدِيٌّ - اَلْحَنِيفُ - اَلْفَاسُ - الصَّنَمُ"

الف) لَا يَتَرَكُ اللهُ الْإِنْسَانَ:

ب) اَلتَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ اَلْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ اَلْحَقِّ:

ج) اَللَّهُ ذَاتُ يَدٍ وَ سِنٍّ مِنَ اَلْحَدِيدِ يُقَطِّعُ بِهَا:

د) تَقْتَالُ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللهِ:

١) الف) سُدِيٌّ / ب) اَلْفَاسُ
٢) الف) سُدِيٌّ / ب) الصَّنَمُ
٣) ب) اَلْحَنِيفُ / د) الصَّنَمُ
٤) ج) الصَّنَمُ / الف) اَلْحَنِيفُ

٩) (... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا...)

١) فقط آنچه را که به ما یاد داده‌ای، دانش داریم.

٢) جز آنچه یاد گرفته‌ایم، هیچ دانشی برای ما نیست.

٣) جز آنچه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی برای ما نیست.

٤) جز دانشی که فراگرفته‌ایم، هیچ علم دیگری نداریم.

١٠) (و لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللهِ فَيَسُبُّوا اللهَ...)

١) و نباید به کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام بدهید زیرا که آن‌ها به خدا دشنام دهند!

٢) و کسانی را که غیر خدا را فرامی‌خوانند دشنام ندهید زیرا که به خدا دشنام دهند!

٣) و کسانی را که غیر خدا را فرامی‌خوانند نباید دشنام بدهید زیرا که به خدای شما دشنام می‌دهند!

٤) و کسانی را که غیر خدا فراخوانده‌اند مورد دشنام قرار ندهید تا خدای شما را دشنام ندهند!

١١) بَعْضُ التَّجَارِبِ وَ إِنْ كَانَتْ قَلِيلَةً وَلَكِنَّهَا مَفِيدَةٌ لَنَا جَدًّا!

١) بعضی تجربه‌ها هرچند اندک باشند، ولی برای ما بسیار مفید هستند!

٢) بعضی تجربه‌ها اگرچه کم به نظر برسند، اما فواید زیادی برای ما دارند!

٣) برخی تجربیات که کم به نظر می‌رسند، برای ما فواید بی‌شماری دربردارند!

٤) برخی تجربیات با وجود اندک بودن، فایدهٔ آن‌ها برای ما بسیار زیاد خواهد بود!